The Indo-Persian Divine Calendar

The so-called *Tārīkh i Ilāhī*

The Divine Era (تاریخ الهی / *yazdīg māhrōz*) was established by the order of the Indian king Akbar in the 29th year of his reign, A.H. 992/ A.D. 1584.[1]

The establishing of the Divine era had two objects:

1) The explicit reason for instituting it, as the order (*framān*) issued by Akbar explains, was that the seasons of affairs and events might be known with ease, and no one had any occasion for alteration.[2] According to Abuʾl-Faẓl, Akbar was averse to the era of Hijra ('flight') which was of ominous signification, but because of the great number of short-sighted, ignorant men who believed the currency of the era to be inseparable from religion, His Majesty did not carry out his design of suppressing it.[3] When in A.H. 992 of the Novilunar year Akbar introduced a new computation of years, he assured his Muslim subjects that: There is not involved in this good deed any breach of the respect due to the glory of the Hijra era. This is the supposition of worthless persons infirm of nature, and of mean understanding.[4] But these persons were not taken in

---

[1] . Hodīvālā drew his information from the chronicles and numismatics of the Mughal period : Sh. H. Hodīvālā, *Historical Studies in Mughal Numismatics*, Calcutta, 1923, II. The Ilāhī Era, 11-40.

Bendrey, on the basis of the Sanskrit book of Vedāṅgarāya, the *Pārasī-Prakāśa*, reconstructed the Divine calendar for 120 years from A.D. 1556 to A.D. 1676: V.S. Bendrey, *Tārīkh-i-Ilāhī*, Poona, 1933.

[۲]. «مقصود از وضعِ تاریخ آن است که اوقاتِ مهمّات و معاملات به آسانی معلوم شود به نوعی که احدی را مجالِ منازعت نه باشد ...» (فرمانِ جلال الدین محمد اکبر پادشاهِ غازی) ابوالفضلِ مبارک، اکبرنامه، دو، کلکته، ۱۸۷۶، ۱۱

[۳]. «از دیرباز سریرآرای اقبال بر آن بود که در آباد بومِ هندوستان تازه سال و مه به روی کار آید، و دشواری به آسانی گراید. و نیز از تاریخِ هجری که از ناکامی آگهی بخشد سرگرانی داشتند، لیکن از انبوهیِ کوتاهبینانِ کارنشناس که روائی تاریخ را ناگزیرِ دین پندارند شاهنشاهِ مدارابزوه پیوندِ دلها گرامی شمرده اندیشه بیرون نه می فرستاد.» ابوالفضل علّامی ناگوری، آئین اکبری، یک، کلکته، ۱۸۷۲، ۲۷۷

[۴]. «در ضمنِ این عملِ خیر کسری به شأنِ رفیع المکانِ تاریخِ هجری، که محلِّ شایبهٔ توهمِ ناقصانِ علیل الفطرة قلیل الکیاسة است، لازم نه می آید.» (فرمان) ۱۲

it. For example, Badāunī, the erudite Muslim clerk who entered the court of Akbar along with Abuʾl-Faẓl in 1572, with regret (or hatred) states that: The era of the Hijra was now abolished, and a new era was introduced, of which the first year was the year of the accession of Akbar in A.H. 963. The months had the same names as at the time of the Persian (Aryan) kings; and the fourteen festivals also were introduced corresponding to the feasts of the Zoroastrians; but the feasts of the Muslims and their glory were trodden down, the Friday prayer alone being retained because some old, decrepit, silly people used to go to it.[5]

2) The implicit object of establishing the Era is also found in the *Framān*: The king intended to announce that the Hijra Era, which begins with a day of joy to foes and of grief to friends, has nearly reached one thousand years, and a great event has appeared, that is, the accession of the king Akbar.[6] But it was not secret to any Muslim what Akbar really intended to impose. Badāunī lamented that: The new era was called the Divine year-and-month. On copper coins and seals, the Millennium was used, as indicating that the end of the religion of Muḥammad, which was to last one thousand years, was drawing near. Reading and learning Arabic was looked upon as a crime; and Islamic law, the exegesis of the Qurān, and the Tradition, as also those who studied them, were considered bad and deserving of disapproval, but astronomy, philosophy, medicine, mathematics, poetry, history, and novels, were cultivated and thought necessary.[7]

---

۵. «تاریخِ هجریِ عربی را تغییر داده ابتدای آن از سالِ جلوس گرفتند که نهصدوشصت وسه بود. و ماهها را به رسمِ ملوکِ عجم که در کتابِ نصاب مذکور است اعتبار کردند. و عیدها نیز موافقِ اعیادِ زردشتیان در سالی چهارده قرار داده شد. و عیدهای مسلمانان و رونقِ آن شکست مگر برای خاطرِ خطبهٔ جمعه که پیرانِ مفلوک ناشناس می رفته باشند.» عبدالقادر بداؤنی، منتخب التواریخ، کلکته، ۱۸۶۵، ۳۰۶

۶. «الحال چون تاریخِ هجری که آغازِ آن از روزِ شماتتِ اعدا و کلفتِ احبّا است نزدیک به هزار رسیده ...» (فرمان) ۱۲

۷. «و آن را سال و ماهِ الهی نامیدند و در تنکها و مهرها تاریخِ الف نوشتند به این اعتبار که مشعر باشد از انقراضِ دینِ مبینِ محمدی که بیش از هزار سال نه خواهد بود. و عربی خواندن و دانستنِ آن عیب شد. و فقه و تفسیر و حدیث و خوانندهٔ آن مطعون و مردود، و نجوم و حکمت و طب و حساب و شعر و تاریخ و افسانه رایج و مفروض.» بداؤنی، ۳۰۷-۳۰۶

The order issued by Akbar mentions three Indian years corresponding to the then current Ilāhī year: 465th year of Lakṣmaṇa Sena era, 1506th year of Śaka era, and 1641st year of Vikrama era, that is A. D. 1584.[8] The architect of the sacred calendar was a Persian scholar, Šāh Fatḥullāh Šīrāzī.[9] His arrival to Akbar's court revived the king design. Then, as Abuʾl-Faẓl states, Šīrāzī took as his base the Gūrkānī astronomical tables (Zīg ī Uluγ-Bēg), and proposed a "true" solar calendar.[10]

However, the epoch of the sacred calendar, according to the *Framān*, was the date of the vernal equinox just after the accession of the great king Akbar, that is, 1 D. Y. (divine year) began on Tuesday

1556 A. D., March 10 = 28 Rabīʿ II, A.H. 963[11]

The year begins on the day when the vernal equinox occurs before true noon, and will be postponed to the next day if the equinox is on or after true noon. The years are considered as "natural solar" without intercalation.[12] About the length of a solar day on the ecliptic Abuʾl-Faẓl states thus: The

---

۸. «در ممالکِ محروسه اربابِ هند تواریخِ مختلفه دارند. مثل آن که در ولایتِ بنگ تاریخ از ابتدای حکومتِ لچهمن سین است، و از آن باز تا حال چهارصدوشصت وپنج سال شده است. و در ملکِ گجرات و دکن تاریخِ سالباهن است که الحال یکهزاروپانصدوشش سال است. و در مالوه و دهلی و غیر آن تاریخِ بکرماجیت متعارف است که الحال یکهزاروششصدوچهل ویک سال شده است. و در نگرکوت هر که حکومتِ آن قلعه داشته باشد از او ابتدا می کنند.» (فرمان) ۱۲.

۹. «میر فتح الله شیرازی ... شاگردِ بیواسطهٔ میر غیاث الدین منصور شیرازی است که به نماز و عبادات دیگر چندان مقید نه بود.» بداؤنی، ۳۱۵ «و عمدهٔ مؤسسانِ این تاریخِ قدسی علّامه الزمانی افلاطون الاوانی امیر فتح الله شیرازی المخاطب به عضدالدّوله بود که در ساعتِ مسعود این اساسِ فلک ارتفاع نهاد.» اکبرنامه، دو، ۱۰ «این خدمت حکیم شاه فتح الله شیرازی به جای آورد.» دبستان مذاهب، تهران، ۱۳۶۲، ۳۰۱

۱۰. «در نهصدونودودوی هلالی از فروغِ خردِ والاچراغِ آگهی افروزشِ دیگر یافت و سترگ روشنائی جهانیان را فرو گرفت. سعادت بسیچانِ حقگرای سر از بالینِ ناکامی برگرفتند و کجحروفانِ غنوده رای به بیغولهٔ ناروائی برنشستند. در این بسیچِ شاهنشاهی بروی روزگار افتاد. یادگارِ پیشینِ حکما، گزیدهٔ دودمانِ دانش، امیر فتح الله شیرازی در انجامِ این کار همت بست و بر زیجِ جدید گورگانی اساس بر نهاد.» آئین اکبری، یک، ۲۷۷

۱۱. «اگر آن حضرت مبدءِ تاریخِ جدید را از روزِ جلوس بر سریرِ سلطنتِ خود (که از اکبرِ نعمِ الهی و اعظمِ آلای نامتناهی است، که از آن هنگامِ سعادت آثار امروز بیست و نهمِ سالِ شمسی و سی امِ قمری می شود) فرمایند هرآیینه به وسیلهٔ این امرِ خیر هم مراسمِ شکرگزاری به تقدیم رسانیده باشند.» (فرمان) اکبرنامه، دو، ۱۲ «حکمِ مقدّس نفاذ یافت که نوروزی (که قریبِ سالِ جلوس بود) آن را مبدءِ تاریخِ الهی اعتبار نمود، ابوابِ آسانی و شادمانی گشایند.» (فرمان) ۱۳

۱۲. «سال و ماه شمسی حقیقی شد، و کبیسه از میان برافتاد.» آئین اکبری، یک، ۲۷۸

astronomers, for facility of calculation, take the whole period of sun's revolution and divide equally the days there of and consider the fractional remainder as the mean of each day, but as the duration of the revolution is found to vary, a difference between the natural and artificial day arises. The recent Gūrkānī tables assume it as 59 minutes, 8 seconds, 19 thirds, 37 fourths and 43 fifths.[13] As we see, Abuʾl-Fażl gives the exact mean length of a solar day reckoned in the tables of Uluγ-Bēg[14]:

1 d = 0°; 59, 8, 19, 37, 43

Thus, 1 y = 360° = 365.2425347441…^{d} = 365^{d} 5^{h} 49^{m} 15^{s} = 365^{d} 14^{gh} 33^{pa} 7^{vi} 30^{pr}.

According to Hodīvālā the true solar year is reckoned in the Tables of Uluγ-Bēg, which Šāh Fatḥullāh Šīrāzī followed, at 365 days, 5 hours, 45 minutes and 27 seconds.[15] Bendrey, following Hodīvālā, attributes the same constant to Uluγ-Bēg, whereas he thinks that Šīrāzī might have preferred another constant for a tropical year. He announces that he has found it in a Sanskrit work written by an astrologer named Vedāṅgarāya. As the constant given by Vedāṅgarāya does not correspond to the above constant attributed by Hodīvāla to Uluγ-Bēg, he concludes that the founder of the Ilāhī era might have modified the mean constant of Uluγ-Bēg to bring it to the level of the then

---

۱۳. «برای کارآسانی همگی زمانِ گردشِ آفتاب را برگرفته اند و بر ایّامِ دوره برابر بخش نموده و خارج قسمت را وسطی هر روزه پندارند. لیکن چون مدّتِ دور مختلف یافته اند، در آن نیز دگرگونگی پدید آید. زیجِ بتّانی پنجاه و نه دقیقه و هشت ثانیه و هشت ثالثه و چهل و شش رابعه و پنجاه وشش خامسه و چهارده سادسه برگوید. و ایلخانی دقیقه و ثانیه همان لیکن نوزده ثالثه و چهل و چهار رابعه و ده خامسه و سی و هفت سادسه برگزارد. و زیجِ جدید گورگانی با خواجه تا ثالثه یکسان شمارد، لیکن سی و هفت رابعه و چهل و سه خامسه گوید. پس بطلمیوس در مجسطی اگر چه در دقیقه و ثانیه موافق لیکن هفده ثالثه و سیزده رابعه و دوازده خامسه و سی و یک سادسه نویسد.» آئین اکبری، یک، ۲۶۸

۱۴. «شبانروز وسطی و آن مقدارِ یک دورِ فلکِ اعظم است با سیرِ وسطِ شمس، و آن به رصدِ ما ه نط ح یط لز مج.» زیج الغ بیک بن شاهرخ بن امیر تیمور گورکان، ۲۹۳

Prolégomènes des tables astronomiques d'Oloug-Beg, M.L.P.E.A. Sédillot, Paris, 1847.

15 . Hodīvālā, 12, 32.

«سال و ماهِ شمسی اصطلاحی سیصدوشصت وپنج روز و چهار یک را بی کم و بیش یک سال برشمارند. و در ارصادِ مشهور کسر زاید کمتر از ربع است. نزدِ بطلمیوس چهارده دقیقه و چهل و هشت ثانیه، به رصدِ ایلخانی دقیقه همان و ثانیه سی ودو و ثالثه سی، به ارصادِ خطائیان دقیقه همان و سی وشش ثانیه و پنجاه وهفت ثالثه، به رصدِ جدیدِ گورگانی دقیقه بدان سان و سی و سه ثانیه ...» آئین اکبری، یک، ۲۷۴

recently accepted and reformed constant by a religious personage like Pope Gregory.[16]

Indeed Mālajit, who composed in the reign of Šāh-Jahān the book *Pārasī-Prakāśa* (‘Persian light’) and the king granted him the title *vedāṅgarāya* (‘master of astronomy’), has recorded the length of the Ilāhī year thus[17]:

1- 14- 33- 7- 32

that is, 1 year (or, 365 days), 14 ghaṭī, 33 pala, 7 vipala, 32 prativipala, or, 365 days, 5 hours, 49 minutes, 15 seconds.

As we see, the constant given by Vedāṅgarāya is almost the same as that which is found in the tables of Uluγ-Bēg.

The Divine calendar uses a cycle of 12 names for years. The twelve years of the cycle have the same names as the twelve months of the year: Fravardīn, Urdēbahišt, Xurdād, Tīr, Amurdād, Šahrēvar, Mihr, Ābān, Āδar, Day, Bahman, Espendārmaδ. We can obtain the n^{th} name of the duodenary cycle of names by the function

Divine cyclic name n = $[n]_{12}$.

The solar sacred year consists of twelve months the arrangement of which depends on the sun’s course through twelve zodiacal signs. The “true” or “natural” solar month is the period that the sun remains in one “sign”.[18] The months correspond, *grosso modo*, to 30° segments of solar longitude, with the month starting at i × 30° of solar longitude, i = 0, 1, …, 11. Vedāṅgarāya states that: The Turkish dates (lunar months) commence with the ending moment of the new Moon (the *Amānta* system); the Arabic (months) commence from the rise of the moon (the New Light system); the Ilāhī months commence from (each of the 12 equal parts of) the tropical longitude of the sun.[19]

---

16 . Bendrey, 8-9.

17 . शाके १५६५ तन्मध्ये १५५६ हीने कृते जातं रोषं ९ वर्षध्रुवः सदैव वारादिः १-१४-३३-७-३२ अनेन रोषं गुणितं जातं ९-१२६-२९७-६३-२८८ षष्ट्या च दापितं उपरि सप्तावरोषं जातो वारादिः ४-१०-५८-७-४८ स्पष्टो ध्रुवः ।

۱۸. «و زمانِ بودنِ او (آفتاب) در یک برج شمسی ماه.» آئین اکبری، یک، ۲۶۸

19 . अमांता तुरकी तारीखाश् चंद्रोदयत आरबी।

The names of the 12 months are thus:

(1) Fravardīn فروردین (ماهِ الهی)

(2) Urdēbahišt اردیبهشت (ماهِ الهی)

(3) Xurdād خرداد (ماهِ الهی)

(4) Tīr تیر (ماهِ الهی)

(5) Amurdād امرداد (ماهِ الهی)

(6) Šahrēvar شهریور (ماهِ الهی)

(7) Mihr مهر (ماهِ الهی)

(8) Ābān آبان (ماهِ الهی)

(9) Āδar آذر (ماهِ الهی)

(10) Day دی (ماهِ الهی)

(11) Bahman بهمن (ماهِ الهی)

(12) Espendārmaδ اسفندارمذ (ماهِ الهی)

As regards the beginning of a month, the same rule is valid as for the *Nōrōz* (New Year's day): If the sun enters a sun before true noon, then that day is reckoned as the first day of the new month; but if the sun enters at midday or after noon, then that day will be included and reckoned as the last day of the current month. Vedāṅgarāya clearly exposes this scheme: If the month-transfer occurs before noon, Then that day is reckoned as *gurrah* (the first day of the new month)[20]; but if the transfer occurs after noon, then that day will be *salaẖ* (the last day of the current month)[21], and the first day of the new month will be the day after that.[22]

Vedāṅgarāya then gives the time at which the apparent ecliptic longitude of the sun is 0°, 30°, …, for the Śaka years

---

इलाही सायनार्काच् च ज्ञेया ग्रन्थानुसारतः ॥

20 . Arab. غرّه 'first light', first day of the lunar month ; pl. غرر three first days of the lunar month.

21 . Arab. سلخ end of the lunar month. See Khayyām:

چون گاه به سر رسد چه بغداد و چه بلخ   پیمانه چو پر شود چه شیرین و چه تلخ

می خوار که پس از من و تو ماه بسی   از سلخ به غره آید از غره به سلخ

22 . मासारंभे च तहवीलो गुर्रा मासादिमेऽहनि।

तहवीलश्चेद्दिनार्धात् प्राक् तदा गुर्रा तु तद्दिने॥ १७ ॥

अन्यथा तु परेणिहः (परेऽह्नि) स्यात् सलख् मासांतिमं दिनं ।

1556 (i. e., Divine year 79 ≈ A. D. 1634) and 1565 (i. e., Divine year 88 ≈ A. D. 1643):

Meṣa	Vṛṣa	Mithuna	Karka	Siṃha	Kanyā	Tulā	Vṛścika	Dhanus	Makara	Kumbha	Mīna
2	5	1	4	1	4	0	2	4	5	0	1
37	15	21	44	10	22	9	24	11	39	5	45
37	20	27	57	32	50	30	47	15	31	32	40
30	0	30	30	30	30	0	30	30	0	30	0
Fr.	Urd.	Xur.	Tīr	Am.	Šahr.	Mihr	Ābān	Āδar	Day	Bah.	Sp.
6	2	5	1	5	1	4	6	1	2	4	5
48	26	32	55	21	33	20	35	22	50	16	56
35	18	25	55	30	48	28	45	13	29	30	38
37	7	37	37	37	37	7	37	37	7	37	7

As we see, Vedāṅgarāya gives the astronomical constant for each month and for a year thus:

Sign	Month	Days in solar month
Aries	Fravardīn	$30^{d}\ 37^{gh}\ 42^{pa}\ 30^{vi}$ (30.6284722^{d})
Taurus	Urdēbahišt	$31^{d}\ 6^{gh}\ 7^{pa}\ 30^{vi}$ (31.1020833^{d})
Gemini	Xurdād	$31^{d}\ 23^{gh}\ 30^{pa}$ (31.3916667^{d})
Cancer	Tīr	$31^{d}\ 25^{gh}\ 35^{pa}$ (31.4263889^{d})
Leo	Amurdād	$31^{d}\ 12^{gh}\ 18^{pa}$ (31.205^{d})
Virgo	Šahrēvar	$30^{d}\ 46^{gh}\ 39^{pa}\ 30^{vi}$ (30.77763889^{d})
Libra	Mihr	$30^{d}\ 15^{gh}\ 17^{pa}\ 30^{vi}$ (30.2548611^{d})
Scorpio	Ābān	$29^{d}\ 46^{gh}\ 28^{pa}$ (29.7744444^{d})
Sagittarius	Āδar	$29^{d}\ 28^{gh}\ 15^{pa}\ 30^{vi}$ (29?4709722^{d})
Capricornus	Day	$29^{d}\ 26^{gh}\ 1^{pa}\ 30^{vi}$ (29.43375^{d})
Aquarius	Bahman	$29^{d}\ 40^{gh}\ 7^{pa}\ 30^{vi}$ (29.66875^{d})
Pisces	Spendārmaδ	$30^{d}\ 6^{gh}\ 30^{pa}\ 37^{vi}\ 32^{pr}$ (30.1085071^{d})

The length of the solar year $365^{d}\ 14^{gh}\ 33^{pa}\ 7^{vi}\ 32^{pr}$ (365.24253487654^{d})

The months contain 29, 30, 31, or 32 days. Each of the days of the month has its individual name:

(1) Ormaz(d) ارمز(د)

(2) Bahman بهمن

(3) Urdēbahišt اردیبهشت

(4) Šahrēvar شهریور

(5) ^{E}spendārmaδ اسفندارمذ

(6) Xurdād خرداد

(7) (A)murdād (ا)مرداد

(8) Day-ba-Āδar دیباذر

(9) Āδar آذر

(10) Ābān آبان

(11) X^{v}ar خور

(12) Māh ماه

(13) Tīr تیر

(14) Gōš گوش

(15) Day-ba-Mihr دیبمهر

(16) Mihr مهر

(17) Srōš سروش

(18) Rašn رشن

(19) Fravardīn فروردین

(20) Bahrām بهرام

(21) Rām رام

(22) Bād باد

(23) Day-ba-Dēn دیبدین

(24) Dēn دین

(25) Ard ارد

(26) Aštād اشتاد

(27) Āsmān آسمان

(28) Zamyād زمیاد

(29) Mārespend माراسفند

(30) Anērān انیران

(31) *Rōz* روز

(32) *Šab* شب

By the order of Akbar, fifteen particular festivals (*jašn*) in the year were introduced all corresponding to the Jašn holidays of the Perso-Aryans (Zoroastrians). The list of the festivals, in the *Framān*, is as follows[23]:

1. *Nōrōz* or the New Year's Day.[24]
2. 19^{th} of the divine month Fravardīn (*Fravardagān*).[25]
3. 3^{rd} of Urdēbahišt, that is the third day, Urdēbahišt, of the second month, Urdēbahišt (*Urdēbahišt Jašn*).
4. 6^{th} of Xurdād, that is the 6^{th} day, Xurdād, of the third divine month, Xurdād (*Xurdād Jašn*).
5. 13^{th} of Tīr, that is the 13^{th} day, Tīr, of the fourth divine month, Tīr (*Tīragān*).
6. 7^{th} of Amurdād, that is the 7^{th} day, Amurdād, of the fifth divine month, Amurdād (*Amurdād Jašn*).
7. 4^{th} of Šahrēvar, that is the 4^{th} day, Šahrēvar, of the sixth divine month, Šahrēvar (*Šahrēvar Jašn*).
8. 16^{th} of Mihr, i.e., the 16^{th} day, Mihr, of the seventh divine month, Mihr (*Mihragān*).
9. 10^{th} of Ābān, i.e., the 10^{th} day, Ābān, of the eighth divine month, Ābān (*Ābān Jašn*).
10. 9^{th} of Āδar, i.e., the 9^{th} day, Āδar, of the 9^{th} divine month, Āδar (*Āδaragān*).

---

[۲۳]. «تفصیلِ اعیاد: ایامِ نوروز؛ نوزدهمِ فروردین ماهِ الهی؛ سیومِ اردیبهشت ماهِ الهی؛ ششمِ خرداد ماهِ الهی؛ سیزدهمِ تیر ماهِ الهی؛ هفتمِ امرداد ماهِ الهی؛ چهارمِ شهریور ماهِ الهی؛ شانزدهمِ مهر ماهِ الهی؛ دهمِ آبان ماهِ الهی؛ نهمِ آذر ماهِ الهی؛ هشتم و پانزدهم و بیست و سیومِ دی ماهِ الهی؛ دومِ بهمن ماهِ الهی؛ پنجمِ اسفندارمذ ماهِ الهی.» (فرمان) ۱۳

[۲۴]. «چون سالِ بیست و هشتمِ جلوس سر آمد، نوروزِ بیست و نهم موافق بیست و پنجمِ ماهِ صفر سنه احدی وتسعین وتسعمایه (۹۹۱) بنیاد شد و به دستورِ سابق دوکانها را بر امرا تقسیم نموده و آئین بسته انواعِ جشن و سرور و عیش به ظهور آمد و شاه فتح الله در دوکان خود انواعِ هنرمندی نمود.» بداؤنی، ۳۲۱ «درین وقت سالِ سی ام از جلوس و نوروزِ سلطانی که در برابرِ نوروزِ جلالی است رسید، و در هشتمِ ماهِ ربیع الاول سنه نهصدونودودو تحویل حمل واقع شد، و دوکان آئین بندی و جشن انعقاد یافت، و صحبت گرم و طرح و طرز جدید در گرد آمد، و ریشها پران شد، و ناقوسِ گاوِ رویین چون گوساله‌ٔ سامری نوازش یافته به فریاد آمد ...» بداؤنی، ۳۳۸ «در مجالسِ نوروزی اکثری از علما و صلحا بلکه قاضی و مفتی را نیز در وادیِ قدحنوشی آوردند.

عشقت خبر ز عالمِ بیهوشی آورد — اهلِ صلاح را به قدحنوشی آورد
یادِ تو ای نگار چه معجون حکمت است — کز هر چه خوانده ایم فراموشی آورد

و آخر مجتهدان خصوصا ملک الشعرا می گفتند که: این پیاله را به کوریِ فقها می خوریم.» بداؤنی، ۳۰۹

[۲۵]. «نوزدهم درجه‌ٔ حمل را که شرف الشرف و روزِ آخرین جشنِ نوروز است بیشتر از ایامِ دیگر تعظیم داشته امرا را به زیادتیِ منصب و جایگیر و اسپ و خلعتِ فراخور مهمانی و پیشکش ممتاز گردانیدند.» بداؤنی، ۳۱۰-۳۰۹

11, 12, 13. 8th, 15th and 23rd of Day, i.e., Day-ba-Āδar, Day-ba-Mihr, and Day-ba-Dēn in the divine month Day (the *Day-Dādār Jašn*).

14. 2nd of Bahman, i.e., the second day of the eleventh divine month, Bahman (*Bahmanagān*).

15. 5th of Espendarmaδ, i.e., the 5th day, Spendārmaδ, of the twelfth divine month, Spendārmaδ (*Spendārmaδ Jašn*).

Example.

The third chapter of the second volume of the *Akbarnāma* contains an account of the establishment of the new sacred era from the accession of King Akbar.[26] Here it is said that the Era took effect from the coming New Year (*Nōrōz*) which followed close upon the accession. The date of Akbar's accession:

In a felicitous hour, to wit, near noon of Friday, which was according to visibility the second of Rabīʿ uṯ-Ṯānī of the lunar year 963, but by calculation, the middle of the third of the same lunar month, 10th of Espendārmaδ of the Jalālī year 477, 15th of the old (Persian) month Tīr of the Yazdegirdī year 925, 14th Šebāṭ of the Rōmī (Syro-Macedonian) year 1867, that glory of his lofty lineage put on his person a golden robe, and on his head a dark tiara, and sat with good auspices and prestige on the royal throne of kingship and the throne of the imperial dignity.[27]

Šebāṭ 14, 1867 S. E. = Friday, February 14, 1556 A. D.

= 3rd of Rabīʿ uṯ-Ṯānī, 963 A. H. = Tīr 19, 925 A. Y.

The vernal equinox was on Tuesday, March 10, at 21^{h}: 56^{m} (= 28th of Rabīʿ II, 963 A. H.). Thus the first day, Ormazd, of the first month, Fravardīn, was on Wednesday, march 11, 1556 A. D.

1 Fravardīn, 1 D.Y. = Wednesday, March 11, 1556 A.D.

Example.

From the *Akbarnāma*, about the birth of prince Šāh Murād:

---

۲۶. «ذکرِ وضعِ تاریخِ جدید الهی از مبدء جلوس حضرت شاهنشاهی.» اکبرنامه، دو، ۹

۲۷. « در ساعتِ فیض اشاعت (یعنی قریبِ نصف النهارِ جمعه)، به رؤیت دوم و به امرِ اوسط سیوم ِ ربیع الثانی سالِ نهصدوشصت وسیومِ قمری، دهمِ اسفندارمذ ماهِ جلالی سالِ چهارصدوهفتادوهفتم، پانزدهمِ تیر ماهِ قدیمی یزدجردی سالِ نهصدوبیست وپنجم، چهاردهمِ شباط ماهِ رومی سالِ یکهزاروهشتصدوشصت وهفتم آن والادودمانِ عالی خاندان خلعتِ زرین در بر و تاجِ مشکین بر سر به دولت و سعادت بر تختِ سلطنت و اورنگِ خلافت نشست.» اکبرنامه، دو، ۳

In this fortunate year, after the passing of 52 pala of the night of Asmān, the 27^{th} of the divine month Xurdād, on Thursday, 3^{rd} Muḥarram of the Novilunar year 978, 29 Xurdād, 492 Jalālī Malikī, corresponding with 17 Ābān 939 of Yazdegird, $^{\times}$7 Ḥazīrān 1881 Rōmī, under Capricornus according to the Greek philosophers, and Sagittarius, according to the Indian sages, a noble son appeared in Fatḥpūr. [28]

The third sign commences on Friday, 12^{th} May 1570 A.D., before midday. Then

1 Xurdād, 15 D.Y. = May 12, 1570 A.Y.

7 Ḥazīrān, 1881 S.E. = Wednesday, June 7, 1570 A.D.

= 3 Muḥarram, 978 A.H.

= 17^{th} (*Srōš rōz*) of the month Ābān, 939 A.Y.

= 27^{th} (*Āsmān rōz*) of the month Xurdād, 15 D.Y.

Example.

The last chapter of the *Āyēn ī Akabarī* gives an account of the Author, Abuʾl-Faẓl. In it he states this that:

The twenty-seventh, the sight of a grandson. On the night of Anērān the 30^{th} day of the divine month Amurdād in the 36^{th} year of the reign corresponding with Friday, 3^{rd} D̲u al-Qaʿda 999, in an auspicious moment, this child of happy destiny appeared and the favour of God became manifest.[29]

The fifth sign commences on Wednesday, 14^{th} July, before midday. Then 15^{th} July is reckoned as the first day of Amurdād.

30^{th} (*Anērān rōz*) of the month Amurdād = Friday, 13^{th} August, 1591 A.D. = 3^{rd} D̲u al-Qaʿda, 999 A.H.

---

۲۸. «در این سالِ خجسته بعد از گذشتنِ پنجاه و دو پل از شبِ آسمان بیست و هفتمِ خرداد ماه الهی موافقِ پنجشنبه سیومِ محرم نهصدوهفتادوهشتِ هلالی مطابق بیست و نهمِ خرداد ماه سالِ چهارصدونودودو جلالی ملکی مصادفِ هفدهمِ آبان ماه سالِ نهصدونه قدیمی یزدجردی مرابطِ هشتمِ حزیران سالِ یکهزاروهشتصدویک رومی به طالعِ جدی به طرزِ جکمای یونان و قوس به طرزِ دانایانِ هند فرزندی فرخنده اخترِ نورگستر ... در فتحپور شرف ولادت یافت.» اکبرنامه، دو، ۳۵۳

۲۹. «بیست وهفتم دیدارِ نبیره. شبِ انیران سی امِ امرداد ماهِ الهی سالِ سی و ششِ الهی مطابقِ جمعه سیومِ ذی قعده نهصدونودونهِ هلالی در ساعتِ سعادت افزا فرزندی نیک اختر پدید آمد و عنایتِ ایزدی رو آورد.» آئین اکبری، دو، ۲۸۲

Finished with joy on the day of Ohrmazd, in the Divine month of Mihr, in the Divine year 459 (Ohrmazd rōz ī Xurdād māh ī sāl 1384 pas az yazdegird/ September 23, 2014 A.D., Tuesday).

Raham Asha